

مؤلفه‌های سبک حماسی در منظومه‌های شهنشاها نامه صبا کاشانی و خاوران نامه ابن حسام خوسفی بر مبنای نظریه کنشهای سه گانه ژرژ دومزیل

معصومه کریمیان کلهرودی، فرشته ناصری*، مریم پیکانپور

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، ایران.

سال هفدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۵، صص ۲۹۱-۲۶۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7261

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: اسطوره‌شناسی تطبیقی به بررسی قیاسی-تطبیقی نظام‌مند مضامین و روایت‌های اسطوره‌ای فرهنگها و اقوام مختلف، بویژه فرهنگها و اقوامی که خاستگاه مشترکی دارند، می‌پردازد تا اساطیر کهن این فرهنگها و اقوام را بگونه‌ای بازسازی کرده و از این طریق به ساختارهای مشترک زبانی، دینی و اجتماعی آنها دست یابد. یکی از چهره‌های شاخص در زمینه اسطوره‌شناسی تطبیقی، ژرژ دومزیل است. مهمترین دستاورد او در تطبیق اساطیر، نظریه کنشگرایانه اوست که به سه کارکرد اجتماعی حاکمیت، جنگاوری و فراوانی در اسطوره‌های هند و اروپایی می‌پردازد. پژوهش حاضر سعی دارد با تکیه بر نظریه کنشهای سه‌گانه به این پرسش پاسخ دهد که «موارد همانندی مؤلفه‌های سبک حماسی در حماسه‌های منظوم ایران «خاوران‌نامه» و شهنشاها نامه» بر مبنای نظریه کنشهای سه‌گانه ژرژ دومزیل کدامند؟ در سالهای اخیر پژوهشهای مختلفی در قالب تحلیل متون حماسی اعم از نظم و نثر با توجه به نظریه اسطوره‌شناسی تطبیقی کنشگرای ژرژ دومزیل انجام شده است و اغلب این پژوهشها تنها یک اثر یا بخشی از آن را اساس کار قرار داده‌اند. نوآوری این پژوهش در جامعه آماری آن و روش تحلیل است که برای نخستین بار انواع متون حماسی (تاریخی، دینی) را اساس کار قرار داده است تا از این طریق به وجوه همسانی و تفاوت شیوه‌های کاربرد مؤلفه‌های سبک حماسی در این منظومه‌ها با توجه به مبانی نظری پژوهش بپردازد.

روش مطالعه: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. با توجه به هدف اصلی این پژوهش که مطالعه و تحلیل دو منظومه حماسی در زبان فارسی با تکیه بر نظریه کنشهای سه‌گانه است، یک منظومه بعنوان منظومه دینی «خاوران‌نامه»، و یک منظومه نیز بعنوان منظومه تاریخی-پهلوانی «شهنشاها-نامه» اساس بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد در هر یک از انواع منظومه‌های حماسی «تاریخی-پهلوانی، دینی» یکی از کنشهای سه‌گانه منتظر ژرژ دومزیل نمود بیشتری دارد. عامل اصلی در این زمینه «جهان‌بینی حاکم بر اثر»، «محتوا» و «درونمایه» این منظومه‌ها است. در هر دو منظومه «خواب دیدن و پیشگویی» عامل شکلگیری جریان روایت است؛ اما در هر یک از منظومه‌ها کارکرد متفاوتی دارد. در منظومه دینی «خاوران‌نامه» که به شرح دل‌آوردیهای پیشوای شیعیان می‌پردازد، کنش جنگاوری/ سلحشوری نمود بیشتری دارد. با توجه به محتوای این اثر، عناصری مانند فره ایزدی و روئین‌تنی به شیوه متفاوتی بازنمایی شده‌اند؛ به این معنا که خوسفی به این مؤلفه‌ها جنبه مقدس و الهی بخشیده و معجزه و قدرت ماورایی قهرمان اثر بر سایر وجوه حماسی این منظومه غلبه دارد. در این منظومه کنش فرمانروایی/ شهریاری و کنش فراوانی/ باروری نمود بسیار محدودی دارد. در شهنشاها نامه صبا نیز با توجه به محتوای اثر، کنشهای فرمانروایی/ شهریاری و جنگاوری و سلحشوری غلبه بیشتری دارد. عباس میرزا بعنوان قهرمان روایت، به نبرد با بیگانگان/ غیرایرانیان می‌پردازد و نمادی از اقتدار و عظمت ایرانیان است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به محتوای دینی منظومه خاوران‌نامه، این اثر در زمینه مؤلفه‌های سبک حماسی در نظریه کنشگرایانه ژرژ دومزیل، دارای وجوه تفاوت بسیار با منظومه تاریخی-پهلوانی شهنشاها-نامه است.

تاریخ دریافت: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۸ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴ تیر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۹ مرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

منظومه‌های حماسی، ژرژ دومزیل، کنشهای سه‌گانه، شهنشاها نامه صبا، خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی

* نویسنده مسئول:

Naseri1033@iausr.ac.ir

۵۵۲۲۹۲۰۰ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A comparative study of the components of epic style in the poems of Sabai Kashani's Shahshah-name and Ibn Hossam Khosfi's Khavaran-name based on the theory of triple actions of Georges Dumzil

M. Karimian Kalahrodi, F. Naseri*, M. Pikanpour

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Khomeini Unit, Islamic Azad University, Shahrari, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 16 May 2023
Reviewed: 18 June 2023
Revised: 05 July 2023
Accepted: 20 August 2023

KEYWORDS

epic poems, Georges Dumzil, three acts, Sheshanshah-nama of Saba, Khavaran-nama of Ibn-Hossam Khosfi.

*Corresponding Author

✉ Naseri1033@iausr.ac.ir
☎ (+98 21) 55229200

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: comparative mythology deals with the comparative-systematic investigation of the themes and mythological narratives of different cultures and peoples, especially cultures and peoples that have a common origin, to the ancient myths of this culture. Reconstruct the nations and tribes in a way and in this way achieve their common linguistic, religious and social constructions. One of the significant figures in the field of comparative mythology is Georges Dumzil. His most important achievement in the adaptation of mythology is his functionalist theory, which deals with the three social functions of sovereignty, warfare and abundance in Indo-European myths. The present study tries to answer this question by relying on the theory of three actions: "The similarities of the epic style components in the Iranian verse epics "Khavarannameh and Shahshahnameh" based on the theory of three actions. What are the songs of George Dumzil? In recent years, various researches have been conducted in the form of analysis of epic texts, both prose and verse, according to the theory of comparative mythology of the activist Georges Dumzil, and most of these researches were based on only one work or a part of it. They are The innovation of this research is in its statistical community and the method of analysis, which for the first time has used all kinds of epic texts (historical, religious) as the basis of the work in order to find out the similarities and differences in the ways of using the components of the epic style in this system. according to the theoretical foundations of the research.

METHODOLOGY: The research was done with descriptive-analytical method and using library resources. Considering the main goal of this research, which is the study and analysis of two epic systems in Persian based on the theory of three actions, one system as a religious system "Khavarannameh", and one system as a historical system - Pahlavi "Shahshahnameh" is the basis of analysis.

FINDINGS: According to the findings of the research, it seems that in each of the types of "historical-heroic, religious" epic poems, one of the triple actions considered by Georges Dumzil has a greater appearance. The main factor in this field is the "worldview governing the work", "content" and "content" of these systems. In both systems, "dreaming and prophesying" is the factor that shapes the flow of the narrative; But it has a different function in each of the systems. In the religious system of "Khavarannameh" which describes the bravery of the Shia leader, the act of fighting/soldier is more prominent. According to the content of this work, elements such as Farrah Yazidi and Ruin-tani have been represented in a different way; In the sense that Khusfi has given these components a holy and divine aspect and the miracle and supernatural power of the hero of the work prevails over other epic aspects of this system. In this system, the action of rulership and the action of abundance/fertility have a very limited expression. According to the content of the work, the actions of rulership and war and bravery are more prevalent in the Shahshahnameh of Saba. As the hero of the narrative, Abbas Mirza fights against foreigners/non-Iranians and is a symbol of the authority and greatness of Iranians.

CONCLUSION: The results of the research show that according to the religious content of the Khavarannameh system, this work is very different from the Shahshahnameh historical-pahlavi system in terms of the components of the epic style in the activist theory of Georges Dumzil.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7261](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7261)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 26	 0	 7

مقدمه

حماسه‌سرایی یکی از سبک‌های دیرینه شعر فارسی است که از ایران باستان تا هجوم مغولان کماکان به حیات خود ادامه داد؛ اما هجوم مغول شرایط ویژه‌ای را به همراه آورد که حماسه‌سرایی را نیز تحت تأثیر قرار داد. از این زمان به بعد شعر فارسی از انحصار دربار بیرون آمد و نظم و نثر جنبه غیرادبی یافت و عمومی شد. با حضور ترکان در ایران روح حماسی به مرحله‌ای دیگر کشانده شد و به دنبال نهضت تاریخ‌نگاری، نظم حماسه‌های تاریخی و دینی رونق یافت؛ حماسه‌هایی که براساس بازسازی گذشته تاریخی، به شخصیت‌های تاریخی و رویدادهای واقعی پرداختند و در حماسه‌های تاریخی، حوادث تاریخی یا داستانهای قهرمانی مربوط به افراد تاریخی، به موضوع اصلی حماسه‌ها تبدیل شد (نک: رزمجو، ۱۳۸۱: ۷۸). در تاریخ ادبیات ایران به سه دوره حماسه‌سرایی اشاره شده است:

- دوره اول: نظم داستانهای قهرمانی و ملی از اواخر قرن سوم تا اواخر قرن ششم؛

- دوره دوم: نظم حماسه‌های تاریخی از اواخر قرن ششم تا قرن نهم؛

- دوره سوم: از قرن نهم به بعد که در کنار حماسه‌های تاریخی به نظم حماسه‌های دینی نیز پرداخته شد (نک: رزمجو، ۱۳۷۰: ص ۵۶).

«اسطوره» در شناخت جوامع انسانی کهن همواره نقشی تعیین‌کننده دارد؛ زیرا با روایات گوناگون به توجیه و تفسیر باورها، رابطه انسان و جهان، پدیده‌های بزرگ طبیعت و رویدادهای بزرگ اجتماعی میپردازد. اسطوره در واقع نسخه‌برداری ناخودآگاهانه و رؤیگونه انسان از طبیعت است که به علل ناآگاهی انسان اولیه، ناتوانی او در برابر ناشناخته‌ها، دسترسی به آرزوها و بیان احساسات شکل میگیرد. (نک: اسماعیل‌پور، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۷)

اسطوره‌ها، افسانه‌ها و حماسه‌های ملل هندواروپایی بازتاب جهان‌بینی مشترکی هستند که میتوان آن را در لابلای متون ادبی رصد کرد. یکی از درونمایه‌های مهم این قلمرو، شخصیت‌های اساطیری، خویشکامیها و ویژگیهای خاص آنان، در خلال قرن‌ها دگرگونی، در اعتقادات و آئینهای اسطوره‌ای است. مهمترین دستاورد ژرژ دومزیل در تطبیق اساطیر، نظریه کنشگرابانه است که به مطالعه سه کارکرد اجتماعی «حاکمیت»، «جنگاوری» و «باروری» در اسطوره‌های هند و اروپایی میپردازد. ژرژ دومزیل با بررسی درونمایه اصلی ایزدشناسی هند و اروپایی به این نتیجه دست یافت که جهان و جامعه باستانی تنها با همکاری هماهنگ سه کارکرد طبقه‌بندی‌شده یعنی شهریاری، نیرو و باروری میتوانند به زندگی ادامه دهند (دومزیل، ۱۳۷۹: ۴۰). کارکرد حاکمیت، اداره جهان بصورتی اسرارآمیز و قاعده‌مند را بیان میدارد که فرمانروایی، شهریاری، قانون و اقتدار از جمله صفات مشترک در بین آنها بوده است. کارکرد جنگاوری، عملکرد جسمانی و اساساً قدرت است که منحصرراً رزمی نیست و میتواند از جانب حاکم که متعلق به کنش شهریاری است باشد و سرانجام کارکرد باروری، کارکردی تولیدی و اقتصادی با جنبه سلامتی، پزشکی، باروری، با نتایج و عواقب گوناگون از قبیل خرمی و آبادانی و تندرستی و طول عمر و آسایش و آرامش و کامرانی است و بیشتر مردم عادی را شامل میشوند (نامورمطلق، ۱۳۹۷: ص ۱۶۱). پژوهش حاضر سعی دارد که به روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ دهد که:

- در ساختار روایی منظومه‌های «شهنشاه‌نامه» و «خاوران‌نامه» مؤلفه‌های سبک حماسی بر مبنای نظریه کنشهای سه‌گانه ژرژ دومزیل چگونه نمود یافته است؟

پیشینه پژوهش

در سالهای اخیر پژوهشهای مختلفی با توجه به رویکرد کنشهای سه‌گانه انجام شده که باختصار به برخی اشاره میشود. کیوان‌فر (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «جستجوی طبقات سه‌گانه اجتماعی در نقوش برجسته

هخامنشی به روش اسطوره‌شناسی تطبیقی ژرژ دومزیل»، با بهره‌مندی از ساختار سه کنش ژرژ دومزیل به اثبات وجود ساختارهای سه‌گانه در جوامع کهن هند و اروپایی می‌پردازد. نیکوبخت و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود با عنوان «مقایسه بازتاب جهان‌بینی هند و اروپایی در شاهنامه فردوسی و حماسه قرقیزی ماناس»، اثبات کرده‌اند که نظریه سه کنش ژرژ دومزیل، در تمام سطوح داستانهای این دو حماسه به کار رفته است. عباسی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل منظومه غنایی ویس و رامین بر مبنای نظریه ایزدان سه‌گانه ژرژ دومزیل» اعتقاد دارند که این منظومه، بعنوان کهنترین منظومه غنایی بجامانده زبان فارسی، پیوند خود را با اساطیر حفظ کرده و همچون روایات حماسی قابلیت بررسی بر مبنای نظریه دومزیل را دارد. در این پژوهش، سه شخصیت برجسته این منظومه، یعنی شاه‌موبد، رامین و ویس، از این منظر بررسی شده و یافته‌ها حاکی از آن است که این سه شخصیت با توجه به ویژگیها و کنشهایشان با سه ایزد کهن اقوام هندواروپایی مطابقت دارند و متناسب با مضمون روایتی عاشقانه، نمونه‌های جابجاشده آن‌ها به شمار می‌روند. محمدی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «ساختارهای سه‌گانه اسطوره‌ای در داستانهای شاهنامه با رویکرد دومزیلی (با تمرکز بر داستان جمشید و فریدون)، با توجه به نظام طبقاتی حاکم بر داستانهای شاهنامه بویژه جمشید و فریدون بر آن شده تا آن را با نظریه سه کنش ژرژ دومزیل به اثبات برساند و بیان میدارد که ایران نیز مانند سایر جوامع هند و اروپایی، دارای نظام طبقاتی (شهریاری، جنگاوری و کشاورزی) است. زارعی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی سه بزه‌گرشاسب و تطبیق آن با نظریه کنش سه‌گانه ژرژ دومزیل» تلاش میکند تا سه گناه «گرشاسب» یعنی، خوارداشت دین مزدیسنا، خاموش کردن آتش و آمیختن با یک پری را بررسی کرده و با کارکردهای سه‌گانه مدنظر دومزیل انطباق دهد.

روش انجام پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش محتوایی است. تحلیل محتوا یک تکنیک تحقیق است که برای تشریح عینی، منظم و مقداری محتوای آشکار ارتباطات به کار میرود و به شناخت و برجسته ساختن محورها و یا خطوط اصلی یک متن یا متون کهن می‌پردازد. پژوهشگران با استفاده از این روش، وجود معانی و روابط واژه یا مفاهیم را با توجه به معیارهایی که برگزیده‌اند بطور کلی بررسی و تحلیل میکنند و سپس درمورد پیامهای نهفته در متنها یا پیامهای مؤلفان یا مخاطبان و حتی فرهنگ و زبان، این پیامها را تفسیر میکنند. هدف تحلیل محتوا، بازنمایی و گزارش دقیق مجموعه‌ای از داده‌هاست که در آن اندیشه‌ها و دیدگاه‌های آفریننده اثر بصورت موضوعی (محتوایی) بررسی میشود. مراحل انجام تحلیل محتوا به شرح ذیل است:

- تعریف و تعیین مجموعه اسنادی که محتوای آنها قرار است تحلیل شود؛
- «جستجو و جمع‌آوری منابع دست اول پژوهش (مبانی نظری و متون مورد تحلیل»؛
- تعریف متغیرها و رده‌هایی که داده‌ها براساس آن کدگذاری و طبقه‌بندی شود؛
- تعیین شاخصها و قواعدی برای قراردادن واحدهای محتوا در رده‌ها؛
- تعریف واحد تحلیل که میتواند کلمه، عبارت، مضمون، جمله، بند نوشت و... باشد؛
- نمونه‌گیری از مجموعه اسناد یا جامعه آماری و کدگذاری داده‌ها؛
- «خوانش متون موردبحث (خاوران‌نامه و شهنشاه‌نامه) براساس مبانی نظری پژوهش (کنشهای سه‌گانه ژرژ دومزیل)؛
- رده‌بندی «جای‌دادن داده‌ها در رده‌ها»؛

«طبقه‌بندی بنمایه‌ها و انطباق آنها در متون موردتحلیل (خاوران‌نامه و شهنشاه‌نامه)؛
- تحلیل آماری و تفسیر کیفی داده‌ها و نوشتن گزارش؛
«تحلیل و بررسی شباهتها و تفاوت‌های بنمایه‌ها در متون موردتحلیل».

مبانی نظری پژوهش

اسطوره‌شناسی تطبیقی و رویکرد کنشگرایانه «ژرژ دومزیل»

اساطیر داستانهایی هستند که در طول تاریخ رخ داده‌اند؛ بگونه‌ای که مهمترین ویژگی آنها، انطباق‌پذیری آن با سایر حکایات است. به همین سبب، جاودان و ماندگار شده‌اند. اسطوره‌ها بیانگر فرهنگ، بینش، اندیشه و تجربیات انسانهای گذشته، درباره جنبه‌های گوناگون زندگی بشری است، به نحوی که با گذشت زمان، ارزش و اهمیت خود را همچنان حفظ نموده‌اند و متناسب با شرایط زندگی در هر عصر و زمان و هماهنگی با باورها و عقاید، مجدداً رواج یافته و تکرار شده‌اند. حماسه زاییده اسطوره است و اسطوره به مامی پرورنده میماند که حماسه را میزاید و آن را در دامان خویش میپرورد و میبالاند. حماسه راستین و بنیادین جز از دل اسطوره برنمی‌تواند آمد. حماسه تنها در فرهنگ و ادب مردمانی پدید می‌آید که دارای تاریخی کهن و اسطوره‌ای دیرینه‌اند. (کزازی، ۱۳۸۸: ص ۱۸۳). اسطوره یکی از عناصر تشکیل‌دهنده حماسه است و در مقابل، حماسه مهمترین ساخت و شکل برای حفظ و تجلی اسطوره به شمار می‌آید. (آیدنلو، ۱۳۸۸: الف، ص ۲۵)

«اسطوره‌ها به تثبیت مفاهیم موجود در عوالم درونی و بیرونی جامعه می‌پردازند و بازتاب آن در فرهنگ مردم خصوصاً مثلها، حکم زنده‌کردن آمل و آرزوهای فروخته را دارد. اسطوره‌های ملی که در بستر زمان شکل می‌گیرند، نمایش قدرت ملی و تقویت مردمی و روانی آنان است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ص ۱۶۳)

هر متن از روایات اساطیری قدیم گرفته تا داستانهای مدرن امروزی، یک روایت داستانی محسوب میشود که حاوی رویدادها و حوادث گوناگونی است، بگونه‌ای که از کنار هم قرار گرفتن این‌گونه حوادث، پیرنگ داستان شکل می‌گیرد. پیرنگ درواقع ترکیب‌کننده حوادث و تقلید از عمل است؛ هرچند حوادث داستان به خودی خود، پیرنگ را به وجود نمی‌آورند، بلکه پیرنگ، خط ارتباط معقول میان حوادث داستان را پدید می‌آورد. اسطوره‌شناسان درباره منشأ حوادث در داستانهای اسطوره‌ای، پژوهشهای گسترده‌ای انجام داده‌اند.

«اسطوره روایت یا جلوه‌ای نمادین است درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق‌طبیعی و بطور کلی جهان‌شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی ارائه میدهد و سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده و بگونه‌ای نمادین، تخیلی و وهم‌انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد، یا از میان خواهد رفت و درنهایت اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی کاوشگر هستی است.» (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۵: ص ۱۳-۱۴) اساطیر حتی در ساده‌ترین سطوح خود انباشته از روایات مقدس درباره خدایان، موجودات فوق بشری و وقایع شگفت‌آوری که در زمانهای آغازین، با کیفیاتی متفاوت با کیفیات زمان عادی ما، رخ داده و به خلق جهان و اداره آن انجامیده است، یا در دورانهای دوردست آینده رخ خواهد داد. اساطیر انواع مختلفی دارند که در یک طبقه‌بندی میتوان آنها را در اساطیر ریشه و بن، اساطیر رستاخیزی، اساطیر نجات‌بخشی، اساطیر ایزدان و باشندگان متعال، اساطیر پیامبران و قدیسان، اساطیر کاهنان و شهریاران، اساطیر بخت و تقدیر، اساطیر باززایی و نوشدگی، اساطیر یاد و فراموشی، اساطیر پهلوانان، اساطیر جانوران و گیاهان، اساطیر عهد نوین مدنظر قرار داد (همان: ۶۴-۷۲)

ژرژ دومزیل از این نظر که مردمان هند و اروپایی در زبان و فرهنگ مشترک بوده‌اند، به بررسی و تطبیق اسطوره‌ها

پرداخت. وی با بهره‌گیری از متنهای ادبی و دینی کهن هند و روم تلاش کرد ارتباط بین شخصیتها و مضامین فرهنگ هند و اروپایی را نشان دهد. وی معتقد به جهان‌بینی مشترک میان اسطوره‌ها، افسانه‌ها و حماسه‌های ملل هند و اروپایی بود که در نهادهای اجتماعی این اقوام تجلی داشته است. (معرک‌نژاد، ۱۳۹۳: ص ۲۴۷). دومزیل در تحلیل اسطوره‌های هند و اروپایی به ساخت سه طبقه‌ای معتقد است: طبقه ایزدان فرمانروای روحانی، طبقه ایزدان جنگاور، طبقه ایزدان برکت‌بخش (کشاورزی و پیشه‌ور). این ساخت در همه اسطوره‌های هند و اروپایی بگونه‌ای وجود دارد. (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۵: ص ۴۹) و (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۲۶۰ - ۲۶۱). مطرح‌کردن کنشهای سه‌گانه توسط دومزیل و استقبال از آن، موجب جستجوی روش‌شناسانه این مؤلف اسطوره‌شناس گردید. (نامورمطلق و عوض‌پور، ۱۳۹۵: ص ۱۶). وی با مطرح‌کردن سه‌گانه‌های کنشی، مطالعات اسطوره‌ای را پر بار کرد و محور اصلی اسطوره‌شناسی را که فیلولوژی بود به کنش و کارکرد تبدیل نمود. وی در کتاب «خدایان هند و اروپایی» این سه کنش را اینگونه معرفی مینماید:

- اداره در عین حال اسرارآمیز و قاعده‌مند جهان؛

- عملکرد نیروی جسمانی و اساساً قدرت که البته منحصرأ رزمی نیست؛

- باروری با نتایج و عواقب و تأثیرات گوناگون از قبیل خرمی و آبادانی و تندرستی و طول عمر و آسایش و کامرانی و جمعیت» (نامورمطلق، ۱۳۹۷، ص ۱۶۰-۱۶۱).

دومزیل درباره چگونگی عمل این سه کنش اینگونه پاسخ میدهد: کنش اول، خدایی است که اساساً کیهانی است و بیشتر در فکر غم بشریت است، خدایی که شهریاری جادوگر است و به همین سبب تشویق انگیز و خلاق است و خدایی که اصولاً اهل قانون و قضاوت و صلح‌جو و سازمان‌ده است. کنش دوم، رزمجویی و جنگاوری است. این کنش مانند کنش اول، بگونه جامع سازمان نمی‌یابد؛ زیرا جنگ و قدرت‌نمایی، آستن بسی حوادث نامنتظره است. برای مثال، تغییر سلاح، قطعاً در کنش جنگاوری تأثیرگذار خواهد بود. کنش سوم، این کنش اساساً اقتصادی است و آنچه مهم است کاشتن و خوردن است و به زمان و مکان و خصوصیات زمین بسیار وابسته است. با توجه به، در حال کوچ بودن جوامع هند و اروپایی، کنش سوم قابلیت ثابت بودن را دارا نبود و مدام در حال تغییر بوده است. دومزیل در نهایت به این نتیجه میرسد که «در نزد اقوام هند و اروپایی نخستین، از سواحل بالتیک و دریای شمال تا ایران و هند، جهان‌بینی واحدی به کار بوده است که بر نوعی ایدئولوژی مبتنی است که خود در اساس و اصول بر همان خدایان سه‌گانه و الهیات حادث از آن استوار است.» (نامورمطلق، عوض‌پور، ۱۳۹۵: ص ۷۶).

حماسه تاریخی-پهلوانی شهنشاه‌نامه: روایت دلوریهای عباس میرزا در جنگهای ایران و روسیه

«فتحعلی خان صباي کاشانی از استادان شعر در عهد قاجاری است؛ وی شاعری استاد و مقتدر بود؛ مهارت عمده او در قصیده‌سرایی است. علاوه بر قصاید چند مثنوی نیز مانند «گلشن صبا»، «شهنشاه‌نامه» و «خداوندنامه» نیز از وی به جای مانده است. (نک، صفا، ۱۳۶۳: ۳۷۰ - ۳۷۱). بزرگترین مثنوی وی «شهنشاه‌نامه» است؛ داستانی حماسی بر وزن شاهنامه فردوسی و به همان وزن در ستایش و ذکر پادشاهی فتحعلی شاه و مآثر آغامحمدخان و پدران آنان و جنگها و فتوحات عباس‌میرزا با سپاهیان روس و اندررها و مطالب دیگر (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ص ۲۳). شهنشاه‌نامه صبا مثنوی بلندی است در حدود چهل هزار بیت که در بحر متقارب و وصف تاریخی و ادبی گزارش-گونه‌ای از جنگهای فتحعلی شاه قاجار سروده شده است. شهنشاه منظومه‌ای تاریخی است؛ اما نبرد با روس محمل مناسبی برای صباي کاشانی فراهم آورده تا زمینه حماسی-پهلوانی سروده خود را تقویت کند. مهمترین عاملی که

میتواند به این امر کمک کند، کاربرد مضامین و بنمایه‌های اسطوره است. در تاریخ ادب حماسی، منظومه‌های پهلوانی پس از فردوسی اغلب بر پایه منابع مکتوب فراهم آمده‌اند و مایه‌های اساطیری در جای‌جای روایات آنها دیده می‌شود؛ اما چون گاهی در مأخذ منثور یا احتمالاً پرداختها و تصرفات سراینده‌گان این آثار، بیشتر به خوارق عادات و از نظر شعری، کثرت و شدت اغراقها توجه شده، بنمایه‌های اساطیری موجود در ساخت داستانهای پهلوانی در پرتو تکرار گاه ملال‌انگیز این عجایب و مبالغات کم‌ظهورتر شده است. (آیدنلو، ۱۳۸۸ الف: ۵۲) شهنشاه‌نامه صبا اثری است که از نظر پختگی کلام، شیوه‌های توصیف، زیباییهای ادبی و لطایف بدیعی، چندان قابل مقایسه با شاهنامه نیست؛ اما میتواند در دوره قاجار، دوره موسوم به بازگشت ادبی، در ردیف آثار مهم در تبیین هویت ملی قرار گیرد. فتحعلی‌خان صبا یکی از معروفترین و به بیانی بزرگترین شاعر دوره جنگهای ایران و روس است. حمیدی شیرازی معتقد است: «ظهور او مکتب دوره صفوی را به هم زد و هرج‌ومرج و آشوب را که در کشور سخن حکمروایی داشته، ریشه‌کن ساخته است.» (حمیدی شیرازی، ۱۳۶۴: ص ۱۹). رضا شفق‌زاده و یحیی آربن‌پور این اثر را مهمترین مثنوی فتحعلی‌خان صبا و زین‌العابدین مؤتمن آن را معروفترین مثنوی تاریخ قاجار میدانند. (طاهری خسروشاهی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۴)

صبا تکرار دوباره تاریخ دوران فردوسی بزرگ و تعرض به هویت ملی ایرانیان را شاهد بوده و با الهام و تأثیر از او اقدام به سرایش این اثر نموده است. وی روسها را ادامه انیران (تورانیان) میدانند. شاعر در شرایط زیستی خود و فردوسی شباهتهایی را لمس نموده و با سرودن یک اثر حماسی، سعی در بازسازی هویت ملی ایرانیان، داشته است. دوره قاجار نقطه آغاز برخورد ایران با دنیای خارج بود. در اثر این برخورد، وجوه تمایز و تفارق «خود» از «دیگری» برجسته شد. به عبارتی توجه به مفهوم «هویت» بی آنکه الزاماً درباره آن سخنی به میان آید، در برخی آثار مکتوب دوره نخست قاجار ظاهر شد. در دوره قاجار، در کنار دیوانیان و وقایع‌نگاران دربار، روحانیان و سفرنامه‌نویسانی که هند، روسیه و اروپا را از نزدیک دیدند، شاعرانی نیز بودند که به مقوله هویت ملی با اتکا به نوعی نگاه تاریخی توجهی ویژه داشتند. بنابراین نوشته‌های مورخان، دیوانهای شاعران، نامه‌های دیوانسالاران، سفرنامه‌ها و متونی مانند احکام و فتوایی که در زمان جنگ با روس صادر میشد، از منابع بررسی اندیشه‌نویسندگان و شاعران آن عصر دانسته میشوند. این منابع برای فهم مقوله هویت ملی در آن دوره تاریخی، بسیار اهمیت دارد.

دو جنگ خونین و تاریخ‌ساز ایران و روسیه، سرآغازی برای ورود اندیشه‌های جدید ملیتی و وطن‌گرایی در شعر فارسی این دوره گردید. هنگام جنگهای ایران و روس «حب وطن» بیش از پیش به آثار شاعران و نویسندگان این دوره راه یافت و قلمرو جغرافیایی کشور، موطن کسانی خوانده شد که هویت ایرانی دارند. این مضمون در آثار دوره‌های بعد، بیش از پیش برجسته شد و برای از دست رفتن بخشی از این موطن، اشعار حسرت‌بار سروده شد. شاعران در این مقطع تاریخی وطن، دست به کار شدند و با آوردن مضامین ملی در شعر، فصل جدیدی از ادبیات حماسی را در ادبیات ایران آفریدند و شاید همین مضامین، بعدها دستمایه شاعران دوره مشروطه گردید. از جمله این مضامین میتوان به: جدایی دردناک شهرهای قفقاز از وطن، تحریک و تهییج هویت ملی ایرانی، حسرتها و دردهای تجاوز روس به ایران، دلاوری سربازان ایران خصوصاً عباس‌میرزای ولیعهد و فرمانده سپاهیان ایران در جنگ اشاره کرد. باید سرآغاز و طلیعه تجدد در شعر فارسی را در بازتاب جنگهای ایران و روس در شعر عصر قاجار جستجو کرد؛ چنانکه سرآغاز ورود ایران به اندیشه‌های نوین اجتماعی نیز همین رویداد مهم است. (طاهری خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۱۴۰)

از شاعرانی که در این دوره به سرودن اشعار حماسی و تحریک هویت ملی ایرانیان پرداختند، میتوان به: ملک‌الشعرا صبا کاشانی، قائم‌مقام فراهانی، خاوری شیرازی، حکیم هیدجی اشاره کرد. گروه دیگری از شاعران حماسه‌های تاریخی سرودند که از جمله آنها میتوان حماسه‌های: شهنامه نادری، علی‌مردان‌نامه، شهنامه احمدی، فتح‌نامه شیخ حسام‌الله، قیصرنامه پیشاوری و سالارنامه را نام برد. شکست‌های پیاپی ایران در جنگ با روسها و احساس ناتوانی اولیای کشور در مقابل ممالک اروپایی، که به وسایل جدید در جنگ و صلح مجهز بودند، آسودگی خیال ایرانیان زیرک و دانا را بر هم زد. خطر را روبرو دیدند و به چاره‌جویی برخاستند. ادبیات ایران از آن زمان تاکنون، جز آیینة تجلی آرزوی پیشرفت و ترقی و رفع مفاسد و اصلاح معایب اجتماعی و سیاسی نیست. (ناتل خانلری، ۱۳۲۶: ۱۳)

صبا در سرودن شهنشاه‌نامه، ضمن اذعان به تقلید و بهره‌مندی از آثار گذشتگان، همواره آشنایی به زبان و روزگار آنان را افتخاری بزرگ برای خود میدانند. وی در این زمینه اصل صداقت در تقلید را نیز رعایت میکند، لیکن همواره سعی دارد با طرز و بیانی نو و جدید، شعر حماسی را به آیین گوینده پهلوی اما با سبکی جدید ارائه نماید. وی در آغاز شهنشاه‌نامه، کتاب خود را از راستی، بی‌کم‌وکاستی می‌گشاید و خود را زنده‌کننده آیین گذشتگان میدانند. نسخه‌های فراوانی از شهنشاه‌نامه صبا به یادگار مانده است. احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی بیست‌وهفت نسخه از این منظومه را ثبت کرده است که در میان آنها قدیمیترین نسخه دارای تاریخ ۱۲۲۶ ق است. (منزوی، ۱۳۴۸: ۲۹۷۶). قدیمیترین نسخه مصور این اثر هم مورخ ۱۲۲۷ و متعلق به کتابخانه مجلس (با هفت مجلس تصویری) است. (همانجا). از این بیست‌وهفت نسخه مجموعاً شش نسخه مصور ثبت شده است و در یک نسخه جای تصاویر خالی مانده است. در کتابخانه ملک دو نسخه از این اثر وجود دارد. شماره ۵۹۹۸ و ۵۰۶۳. مثنوی شهنشاه‌نامه از یک دیباچه و متن تشکیل شده است که در اغلب نسخه‌های آن دیباچه به قلم نشاط اصفهانی است. اغلب نسخه‌های شهنشاه‌نامه در ایران هستند. این نسخه‌ها غالباً به خط نستعلیق و یا شکسته نستعلیق نوشته شده‌اند و تاریخ کتابت ندارند. صبا سرودن شاهنامه را در ۱۲۲۴ ق یعنی پس از همراهی با فتحعلی‌شاه به سمت آذربایجان شروع کرد و پس از شش سال یعنی در ۱۲۳۰ آن را به پایان رساند.

- شهنشاه‌نامه، نسخه کتابخانه ملک، شماره ۵۹۹۸؛
- شهنشاه‌نامه، نسخه کتابخانه ملک، شماره ۵۰۶۳؛
- صبا، فتحعلی‌خان، شهنشاه‌نامه، ۱۸۶۷؛

متن شهنشاه‌نامه بصورت کامل تصحیح و چاپ نشده است و تنها گزیده‌ای از آن که به روایت جنگ ایران و روس اختصاص دارد، در هند چاپ سنگی شده است. تقریباً همه پژوهشگران نیز به همین چاپ دسترسی داشته‌اند و آرا و داوریه‌های ایشان درباره شهنشاه‌نامه مبتنی بر این گزیده است.

حماسه دینی خاوران‌نامه؛ بیان دلاوریهای حضرت علی «ع» و یاران ایشان با زبانی حماسی

حماسه دینی و مذهبی به توصیف قهرمانیهای بزرگان و اولیای دینی هر قوم اختصاص دارد. این نوع حماسه به بیان جانفشانی قهرمانان و بزرگانی می‌پردازد، که فداکاری آنها نقشی بسزا در تکوین و ریشه‌دار شدن دین و مذهب یک قوم ایفا کرده است. «حماسه‌های دینی، یادگار مجاهدت گروهی برای حفظ دین و نبرد با معاندان و برانداختن آداب و رسومی است که خلاف عقاید دینی تشخیص داده میشود. نخستین حماسه بازمانده از این دست در ایران، یادگار زریران است که متنی حماسی به زبان پهلوی است و شرح و وصف نبرد ایرانیان با خیونان برای پاسبانی از

دین زرتشت است. این داستان را دقیقی به شعر درآورد و فردوسی هم آن را در شاهنامه گنجانده است و از تاریخ‌نویسان سده‌های چهارم تا ششم هجری، تنها ثعالبی بطور مشروح و با کمی اختلاف از این داستان یاد میکند. درواقع این حماسه مربوط به دوران آغازین دین زرتشت است که بهترین دوران برای تشکیل حماسه‌های دینی بوده است. پس از اسلام و رواج شعر فارسی، اکثر قریب به اتفاق شاعران فارسی زبان که خود پرورده دین اسلام بودند، اشعار خود را در خدمت دفاع، تبلیغ و ترویج دین اسلام قرار دادند که آغاز دواوین اشعار، تحمیدیه‌ها، نعت پیامبر و ائمه اطهار (ع) و خلفه بیانگر این موضوع است. در تاریخ شعر فارسی، اشعار دینی از شاعران مانند کسایی مروزی و ناصر خسرو آغاز شد و بعد بوسیله شاعران شیعی مذهبی از قبیل: قوامی رازی، شاعران قرن ششم هجری، و ابن حسام خوسفی، شاعر قرن نهم، و محتشم کاشانی، شاعر قرن دهم، تکمیل شد. پس از آن در تمام دوره صفویه و قاجاریه ادامه یافت. این اشعار که حماسه‌های دینی را هم باید در شمار آنها دانست، معمولاً در ذکر مناقب یا مصائب اولیای دین و پیشروان تشیع سروده شده است. رواج این نوع شعر در دوره صفویه که عهد تقویت مذهب تشیع و رسمی شدن آن در ایران است، که از هر دوره دیگر بیشتر بوده و در دوره قاجاری نیز از رواج نیفتاد. حماسه‌های دینی شاخه‌ای از منظومه‌های تاریخی به شمار می‌آیند که قهرمان آن شخصیت برجسته دینی است. ذبیح‌الله صفا در اینباره مینویسد: «ممکن است موضوع حماسه تاریخی زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد. من اینگونه منظومه‌های حماسی را که اتفاقاً در زبان فارسی نمونه‌های بسیاری مانند خاوران‌نامه ابن حسام و حمله حیدری باذل و کتاب راجی و خداوندنامه صبا و اردیبهشت‌نامه سروش جز اینها دارد؛ منظومه‌های حماسی دینی مینامم» (صفا، ۱۳۶۹: ۴-۷) این آثار گرچه به تقلید از شاهنامه سروده شده‌اند؛ اما تفاوت بسیاری با آن دارند. به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی، عناصر عامیانه در لایه‌های درونی این منظومه‌ها نفوذ کرده و درواقع برخی از آنها از جمله خاوران‌نامه را به سبب این گستردگی میتوان در زمره ادبیات عامیانه به شمار آورد. خاوران‌نامه ابن حسام منظومه‌ای است که داستانهای خیالی سفرها، دلاوری و جنگ‌آوریهای حضرت علی (ع) با دشمنان را در قالب زبانی شبیه به شاهنامه روایت میکند. در نگاه نخست به خاوران‌نامه باورها و پندارهای عامیانه مشاهده میشود؛ زیرا ابن حسام تحت تأثیر فرهنگ قومی خود است و درواقع مسائلی را مطرح میکند که نمودار اندیشه‌هایی است که از ضمیر جمعی برمیخیزد، علاوه بر آن مهمترین ویژگی خاوران‌نامه یعنی طرح مسائل غیرعادی و رویدادهای شگفت‌انگیز که خود زمینه عوام‌پسندانه روایت را غنا میبخشد. شعرای مناقب شیعی خوان در حماسه‌های دینی به جنبه‌های اعجازگونه میپرداختند تا اعتقاد شیعی مخاطب را راسختر کنند. آنها نیز با شنیدن رویدادهای شگفت‌انگیز بیشتر جذب میشدند؛ زیرا بیان دلیری و پایداری پیشوایان دینی در برابر مصائب به شکل عادی در ذهن مخاطب چندان اثر نمیکند. بنابراین در این منظومه‌ها برای جذابیت بیشتر داستان و افزودن اعتقاد مخاطب، قهرمانان را با حوادث مهیج و شگفت‌انگیزی وصف کرده‌اند. از سوی دیگر در خاوران‌نامه اغلب روحیات مردم عادی در قالب حرکات و رفتارهای عامیانه‌ای بروز میکند که نمایشگر رفتار توده مردم است؛ اما در فرهنگ و ادب رسمی دیده نمیشود. جلوه دیگری از گرایش به عوامانگی در ابن حسام، تمایل وی به استفاده از زبان مردم عادی روزگار خود است. او هرچند میکوشد با تقلید از شاهنامه و زبان ادبی گذشته مشابه‌سازی کند؛ اما باز هم در هماهنگی با زبان مردم عصر خود به شکل عامیانه روی می‌آورد و میکوشد با کاربرد زبان ساده، روان و ملموس عوام بر تأثیرگذاری بیشتر توده مردم بیفزاید. (کریمی و امینی، ۱۴۰۱: ص ۱۴۳).

خاوران‌نامه، مثنوی حماسی در بیست‌ودوهزار و پانصد بیت است که در آن جنگهای حضرت علی (ع) همراه با افسانه‌ها و داستانهای خیالی از سفرها و جنگها و دلاوریهای ایشان و یارانش از جمله مالک اشتر و ابوالمعجن در

سرزمین خاوران و جنگ با قباد پادشاه خاورزمین و امیران دیگری چون تهماسب‌شاه و جنگ با دیو و اژدها، موران و ... در مکانهای مشخص و بیشتر افسانه‌ای و خیالی سروده شده است. سراینده این اثر که «خاورنامه» نیز نام دارد، محمد فرزند حسام‌الدین حسن، معروف به ابن‌حسام، شاعر، عارف، فقیه و اندیشمند قرن هشتم و نهم هجری است. این منظومه داستانی پهلوانی و دینی است و به سبب ماهیت ویژه خود اثر مهمی در زمینه انعکاس فرهنگ فولکلوریک به شمار می‌آید. چنانچه گفته شده: «قصه‌های دینی در گونه‌های مختلف خود حماسی، پهلوانی، مذهبی و مانند آن وقتی به زبان عامیانه بیان شود، از پرجاذبه‌ترین آثار فرهنگی است» (ناصح، ۱۳۷۸: ص ۶۲).

خاوران‌نامه مملو از داستانهایی است که گاه متوالی نیستند و در سیر این رویدادها با مجموعه‌ای از جلوه‌های فرهنگ عامه روبرو میشویم که بسیاری از آنها نمودار مفهومی خاص است که شاعر بگونه اسطوره‌ای و افسانه‌ای از باب فهم عوام بیان میکند (ناصح، ۱۳۷۸: ص ۱۴۱). این رویدادها افسانه هستند و واقعیت تاریخی ندارند. روایت‌های «خاوران‌نامه» متناسب با سلیقه عوام، ویژگی‌هایی مییابد که از جنس خود مردم باشد نه آنچه تاریخ روایت میکند. از دیدگاه میرچا الیاده، ذهنیت انسان باستان و در ادوار بعد خواست و پسند عامه مردم متمایل به حفظ روایات و نمونه‌های اساطیری بوده و در نتیجه شخصیتها و رویدادهای تاریخی را پس از گذشت چند سده از زمان وقوع آن به تقلید از الگوهای اساطیری و نمونه‌های مثالی، از تاریخ به عرصه اسطوره، حماسه به افسانه کشانیده است (الیاده، ۱۳۶۵: ص ۵۷). ماهیت نیمه‌تاریخی و افسانه‌ای خاوران‌نامه فضایی ویژه برای حضور گسترده عناصر عامیانه فراهم میسازد و مخاطب عام خواسته‌ها و سلیقه‌های خود را در آن جستجو میکند. خاوران‌نامه داستان جنگها و دل‌آوریهای حضرت علی (ع) و یاران آن حضرت مانند مالک اشتر، ابوالمحن، عمرو بن معدی کرب، عمرو بن امیه است که نامهای آنان در جنگهای صدر اسلام و جهان‌گشاییهای خلفا مکرر آمده است. این اثر شامل جنگهای حضرت علی (ع) و سرداران آن حضرت با قباد (شاه خاوران) و دیگر پادشاهان بت‌پرست، مانند طهماسب شاه و صلصال‌شاه است. این جنگها برای ترویج اسلام و برانداختن کفر در خاور برپا شد. چون هدف این داستانها تحکیم ایمان مردم و برانگیختن حس تحسین شیعیان و دوستداران آل علی (ع) بوده است، بنا به پسند عوام در آن روزگار در کنار حوادث تاریخی، گاه سخن از جنگ با اژدها و دیو و جن می‌رود که معمولاً لازمه آثار حماسی است. در باب منظومه حماسی خاوران‌نامه باید گفت که علاوه بر هنرنامه‌یها و ذوق‌آزماییهای ابن‌حسام در این منظومه، آنچه برای وی فضل جداگانه به شمار می‌آید، این است که او نخستین شاعری است که در باب شرح و توصیف جنگهای حضرت علی (ع) و سردارانش به سخن‌سرایی پرداخته و نیز بنا به نوشته محققان آخرین تقلید مهم و قابل‌ذکری است که از «شاهنامه فردوسی» به عمل آمده است. این منظومه در قالب بخشهای زیر به نظم کشیده شده است:

— حمد و ثنای خداوند؛

— جایگاه والای انسان و خرد و دانش؛

— نعت رسول خدا «ص» و شرح معراج؛

— سخن در باب نظم خاوران‌نامه؛

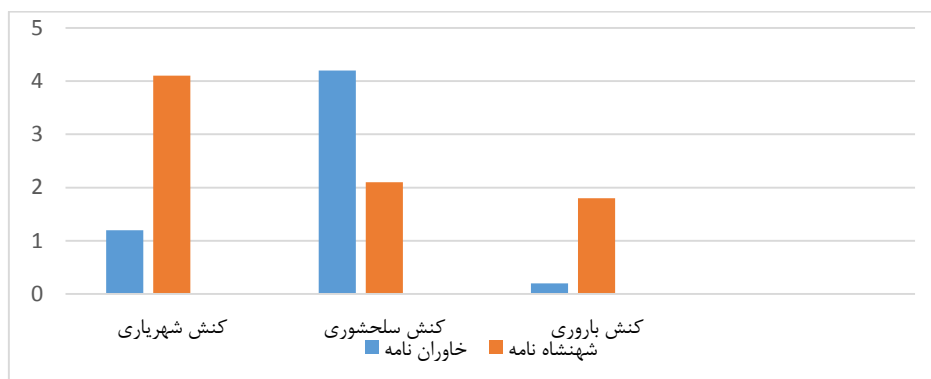
— شرح دل‌آوریهای حضرت علی «ع» به همراه یارانش مالک اشتر، ابوالمحن و

خاوران‌نامه حماسه دینی و مصنوع است که به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده و به اذعان ابن‌حسام، از روی مأخذی عربی به نظم درآورده شده است. چاپ سنگی خاوران‌نامه، در کتابخانه ملی ایران نگهداری میشود. نسخه مصور از این کتاب با نام نسخه موزه هنرهای تزئینی تهران، در کتابخانه ملی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. حمیدالله مرادی خلاصه‌ای از این اثر را به نام، تازیان‌نامه پارسی گردآورده است.

بحث و تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

از دیدگاه دومزیل نباید چنین تصور کرد که کنشها و قلمروهایشان ضد یکدیگرند و با هم در ستیز و آویزند؛ چونکه همه اجزای یک ارگانیکسم تابع قانون همبستگی و حتی تداخل و رخنه و نفوذ در حوزه‌های همدیگرند. بنابراین تضاد و تخالف آنها از مقوله تضاد و تخالف مربوط به مفاهیم و معانی‌شان است. (نک: دومزیل و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۱۸). وی کنش شهریاری را بعنوان نخستین کنش از کنشهای سه‌گانه خود معرفی مینماید. کنش شهریاری یا حکمرانی در ذیل کنش خدایان هندواروپایی معرف نقش‌خدایی است که به اداره قاعده‌مند جهان و در عین حال اسرارآمیز آن میپردازد و هدایت و قضاوت مسائل را تضمین میکند. (نامورمطلق، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۶۱). خدایان گروه نخست با وجود اسامی متفاوت در میان اقوام مختلف، همگی بازتابهای آسمانی و کیهانی انسانهای فرمان‌فرما مانند شهریاران، شاهان، وزیران، کاهنان و... بوده‌اند. (نامور مطلق و عوض‌پور، ۱۳۹۵: ۶۸). در مرحله تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، ساختار روایی هرکدام از متون موردبررسی بر مبنای کنشهای سه‌گانه ژرژ دومزیل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به اینکه تمرکز این پژوهش بر مطالعه تطبیقی است، ابتدا یک نمودار کلی از بسامد هر یک از کنشهای سه‌گانه در هر یک از متون ارائه شده و سپس نمودارهای مربوط به بسامد هر یک از زیرمجموعه‌های این کنشها ترسیم شده است. در قالب نمودار زیر بسامد هر یک از کنشهای سه‌گانه و عناصر مرتبط با آنها در هر یک از منظومه‌های موردبحث ترسیم شده است.

بسامد انواع کنشهای سه‌گانه در ساختار روایی منظومه‌های حماسی



بررسی کنشهای سه‌گانه در ساختار روایی شهنشاه‌نامه صبا

بخش پایانی این منظومه به روایت جنگ ایران و روس و دلاوریهای عباس‌میرزا اختصاص دارد. «گزارش جنگ و شرح دلاوریهای پهلوانان» اصلیترین موضوع این حماسه است و اساطیر نیز به اشکال گوناگون در آن تبلور مییابد. خوابها محملی مناسب فراهم می‌آورند تا روایت شهنشاه‌نامه از گزارش محض تاریخ فاصله بگیرد و مهمتر از آن رنگ و صبغه اساطیری بیابد. در این روایت:

- خواب نخست از حادثه‌ای بزرگ خبر میدهد و سرآغاز ماجرای داستانی جنگ ایران و روس است؛
- خواب دوم نویدبخش است و شتافتن شاه به یاری عباس‌میرزا را مژده میدهد؛
- خواب سوم راهگشاست و شاه را به انجام دادن کاری وامیدارد.

در شهنشه‌نامه روایت جنگ ایران و روس با خواب فتحعلی‌شاه آغاز میشود. شاه در خواب میبیند که گرگی از گله گوسفندان قوچی میرباید و او شیری را به جنگ گرگ میفرستد. (صبا کاشانی، ۱۳۳۰: ۳۲۷). و بلافاصله گذار او از مرغزار به باغ می‌افتد و هنگام گلگشت، جغدی را میبیند که به پرندگان حمله‌ور میشود. شاه این بار بازی را که بر دست دارد پرواز میدهد و جغد را میکشد. خواب فتحعلی‌شاه را که سرآغاز شاعرانه‌ای برای شروع روایت جنگ با روس رقم زده است به دو شکل میتوان تبیین کرد:

- نخست آنکه خواب را ابزاری آگاهی‌بخشی بدانیم که واقعه‌ای را پیش از وقوع گزارش میکند و پرده از رخدادهای آینده میگشاید؛ حمله گرگ به گله و جغد به پرندگان بسادگی با تعرض روس به قفقاز انطباق مییابد؛ یعنی امری که شاه از آن بی‌اطلاع است و صبحگاهان که از خواب برمیخیزد گروهی از اهالی قفقاز با نامه‌ای در دست برای دادخواهی سر میرسند و از تعرض روس به تفلیس و گنجه مینالد و شاه را به یاری میطلبد. او نیز عباس میرزا را به نبرد با روس روانه میکند.

- دوم اینکه خواب را دربردارنده پیامی بدانیم که نمایانگر راه چاره است؛ زیرا «هر رؤیا پیامی را از سطح ناهشیار به سمت هوشیار منتقل میکند و پیام راه‌حلی را پیشنهاد میدهد. پیام به شکلی نامفهوم یا تغییر شکل یافته ارائه میشود». (وایس، ۱۳۸۲: ۱۵۹)

- آنچه در این خواب میتواند راه‌حل شناخته شود، «رهسپار شدن عباس میرزا است» که با رمز شیر و شاهباز بیان شده است. خواب شاه پیش از آنکه حاوی پیام و راه‌حل باشد، از وقوع حادثه‌ای در آینده خبر میدهد.

این خواب رمزآمیز نیست و نیازی به حضور خوابگزاران ندارد و بلافاصله با حضور دادخواهان تعبیر میشود. خواب رمزآمیز دیگری در شهنشه‌نامه گزارش شده که توسط خوابگزار تعبیر میشود.

پس از شکست ایرانیان در آغازین روزهای جنگ، عباس میرزا در خواب میبیند که ماهی درخشان بر سر سروی بلند ظاهر میشود. شاخ و برگ سرو شمشیر و نیزه است. آفتاب بر آن میتابد و برق و ابر بالای آن قرار دارد. در پیش‌رو نیز کوه‌هایی وجود دارد که بر هر یک از دهایی ایستاده و از دهانشان زنبور پَر میکشد. دشت نیز پر از گراز است. ناگهان ماه تابید و گرازان را تارومار کرد. عباس میرزا ماجرای خواب خود را به میرزا شفیع صدراعظم میگوید و او خواب را تعبیر میکند. این خواب همانند نمونه قبلی مبتنی بر پیشگویی است با این تفاوت که رمزهای پیچیده‌تری در آن به کار رفته و نیاز به تعبیر دارد. تعبیر کلی آن نیز آمدن لشکر شاه به یاری عباس میرزا است. او مکتوبی حاوی گزارش شکست به فتحعلی‌شاه مینویسد و شاه هم لشکری برای کمک اعزام میکند. (سپهر، ۱۳۹۰: ص ۱ / ۱۲۷)

پس از خواب عباس میرزا که مبتنی بر پیشگویی در باب یاری رساندن شاه است، بلافاصله خواب دیگری روایت میشود که این بار فتحعلی‌شاه، پدر عباس میرزا، عموی خود آقامحمدخان را به خواب میبیند. آقامحمدخان نخست درود و آفرین پیامبر (ص) را به او ابلاغ میکند و سپس پیامی از اسکندر به او میرساند.

با توجه به اینکه «شهنشه‌نامه صبا»، حماسه‌ای تاریخی-پهلوانی است، هر یک از سه کنش موردنظر ژرژ دومزیل در این منظومه قابل مطالعه هستند. در این اثر با توجه به محتوای آن که بر «دلوریهای عباس میرزا در جریان جنگهای ایران و روس» تمرکز دارد، بیش از هر چیز زیرمجموعه‌های کنش «فرمانروایی / شهریاری» و «جنگاوری / سلحشوری» نمود یافته‌اند. کنش شهریاری / فرمانروایی در ساختار روایی «شهنشه‌نامه» زیرمجموعه‌های متنوعی دارد که در یک تقسیم‌بندی کلی میتوان آن را در قالب موارد زیر طبقه‌بندی کرد:

- عناصر مرتبط با خداوند / پادشاه مطلق: قدرت، معجزه، نیایش، هوشمندی و...؛

- ملزومات پادشاهی: «نژادگی، فرآیزدی، پیشگویی، خواب دیدن، تاج و تخت و...»
- عناصر طبیعی: کوه، باد، آب، آتش؛
- گیاهان؛
- حیوانات؛
- عناصر ماورائی و کهن‌الگویی «جادو، طلسم و...».

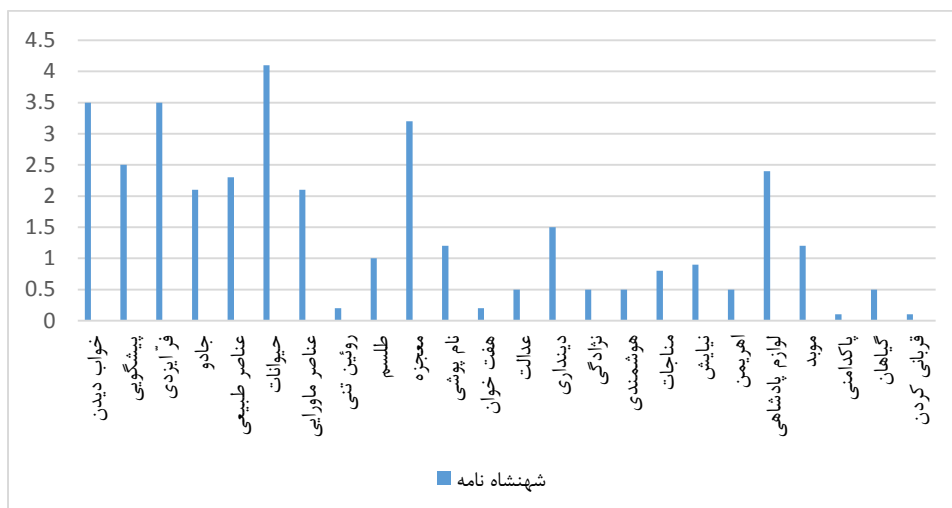
صبای کاشانی، به سبب غلبه رویکرد مدحی، این بنمایه‌ها را برای اسطوره‌ای کردن تاریخ به کار برده است. او اصل این بنمایه‌ها را از شاهنامه برگرفته که گاه در فرهنگ عامه ریشه دارند؛ اما برخی را توسعه بخشیده و برخی دیگر را تقلیل داده است. در شاهنامه قدرت مطلق خداوند است و خداوند آغاز و پایان همه چیز قلمداد شده است.

به	نام	خداوند	آموزگار	نگارنده	نامه	روزگار
نه	بیننده	او	و	بیننده	او	آفریننده
ز	دریای	او	ابر	نم	یافته	وزآن شاخ
						نسرین درم

(صبا: ۳/۲ - ۱)

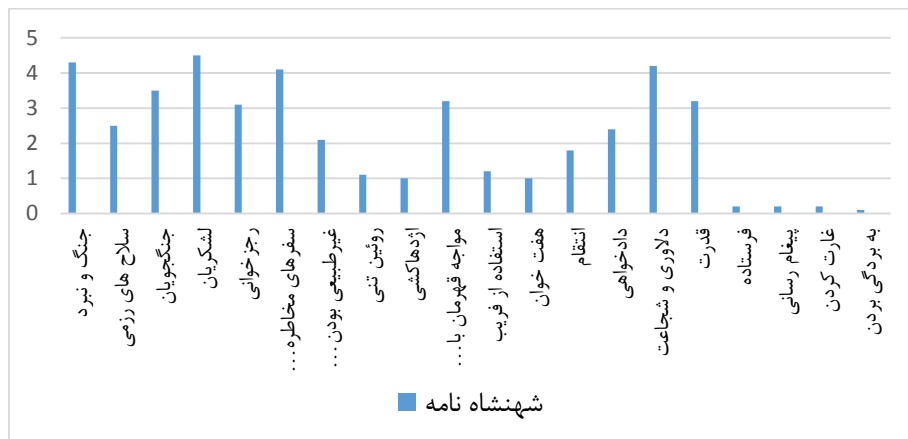
پیشگویی از طریق خواب، جادو، هفت‌خان، روئین‌تنی، نام‌پوشی، فرآیزدی، پوشش فریبنده و ایزد سرورش، شاخصترین زیرمجموعه‌های کنش اول در این منظومه تاریخی-پهلوانی هستند. این ویژگیها نشان از تأثیرپذیری آشکار صبای کاشانی از ساختار روایی و اندیشه حماسی شاهنامه و فردوسی دارد. وی در این منظومه سعی در شبیه ساختن پهلوان مدتظر خود به پهلوان اصلی شاهنامه، یعنی «رستم»، دارد. این منظومه حماسه مصنوع به شمار میرود و صبای کاشانی تقابل و ستیز ایرانیان با بیگانگان را دستاویزی قرار داده است تا روایت شاهنامه را هر چه بیشتر به روایت شاهنامه نزدیک کند.

بسامد انواع مؤلفه‌های کنش شهریاری / فرمانروایی در ساختار روایی حماسه تاریخی-پهلوانی «شاهنامه»



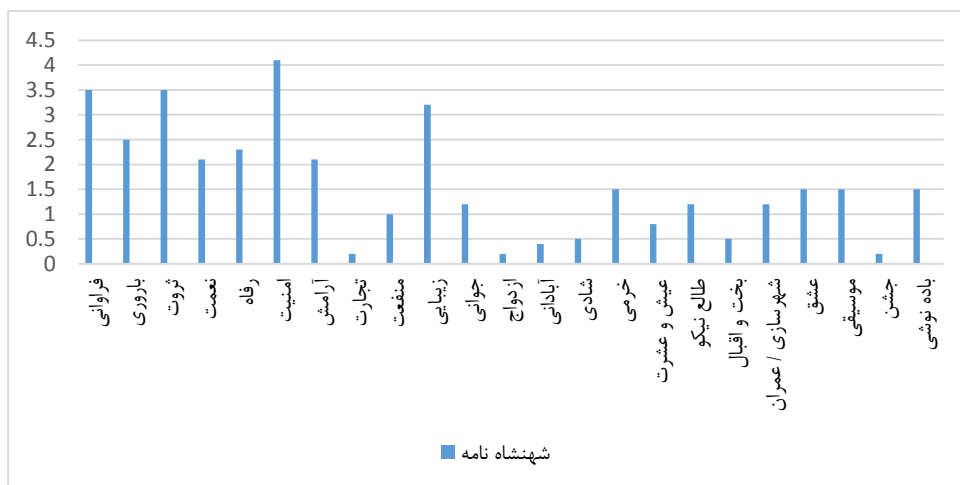
بسامد انواع مؤلفه‌های کنش جنگاوری / سلحشوری در ساختار روایی

حماسه تاریخی-پهلوانی «شهنشاه‌نامه»



بسامد انواع مؤلفه‌های کنش باروری / فراوانی در ساختار روایی

حماسه تاریخی-پهلوانی «شهنشاه‌نامه»



بررسی کنشهای سه‌گانه در ساختار روایی خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفي «حماسه مذهبی»

حماسه دینی، پردازشی ویژه ادبی است از حوادث بزرگ دینی و موضوعات پیرامون آن در سایه جدال حق بر ضد باطل، با پیامی قدسی و حاوی بنمایه‌های ازلی و ابدی و جلوه‌های قدرت حضرت حق که با اجتماع موزون نمادها علاوه بر خلق زیباییها، عقاید و افکار مذهبی-دینی و وقایعی که در زمان و مکان اتفاق افتاده، تجربه‌ها و تقاضای روحی و روانی انسان را منعکس می‌سازد و قابلیت راهنمایی مخاطب به صور مجرد و فارغ از مناسبات مادی را نیز

داراست. توجه به اصول و فروع دین، وجود قهرمانان و بزرگان آرمانی و دینی از قبیل پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)، دعوت به اسلام و جهاد برای ترویج دین اسلام، مبارزه با کفر و بت‌پرستی و اشاره به آیات و احادیث از خاوران‌نامه اثری دینی ساخته و از آنجا که این قهرمانان دینی از نیروها و ظرفیتهای خارق‌العاده و مبالغه‌آمیز برخوردارند، به سفرهای مخاطره‌آمیز میروند، رجزخوانی کرده و از انواع و اقسام سلاح در نبردها استفاده میکنند، دشمن را میفریبند و نیروهای غیبی و دیو و جادو در این اثر وجود دارد و همچنین دارای وزن حماسی، لحن و واژگان تداعی‌کنند. فضای حماسی، اغراق و مبالغه، توصیفات زیبا و... میباشند، اثری حماسی است و در آن حماسه و دین باهم درآمیخته و از آن یک حماسه دینی ساخته است. از بین شاعران حماسه‌سرا و دینی، ابن حسام نخستین شاعری است که در خاوران‌نامه خود، حماسه و دین را با هم درآمیخته است. خاوران‌نامه از یک طرف ویژگیهای حماسه را دارد و از طرف دیگر قهرمان این حماسه، امام علی (ع) و یارانش میباشند و هدف از آن نیز تبلیغ و ترویج دین و مبارزه با کفر و بت‌پرستی و توجه به اصول و فروع دین میباشند و به این صورت حماسه و دین با هم پیوند یافته است.

خاوران‌نامه از نمونه‌های برجسته حماسه‌های دینی قرن نهم در ادب پارسی است که در توصیف جنگهای اسلام به فرماندهی حضرت علی (ع) به نظم کشیده شده است. عناصر حماسی با توجه به محتوا و درونمایه داستانها شکل میگیرد و ساختار، متناسب با چگونگی درونمایه ترسیم میشود. در این منظومه، عناصر اصلی حماسه مشتمل بر قالب داستانی، قهرمان‌پردازی، زمان، مکان، عناصر و نیروهای خارق‌العاده ترسیم شده و تقلید از شاهنامه فردوسی در زمینه‌های شیوه سخن‌پردازی، لفظ و نیز محتوا بروشنی جلوه‌گر است. با وجود اینکه این اثر در زمینه‌های خرق‌عادت و داستانی‌بودن منسجم است، محبوبیت و دور نبودن قهرمانان این دو منظومه از صفات والای اخلاقی سبب شده است که عامه مردم، قهرمان اصلی داستان را نمونه و مظهر انسان آرمانی و حماسی خود بدانند. در خاوران‌نامه، نژاد عرب ستوده شده است. ابن حسام در وصف امام علی (ع)، صفت «تازی دلدل‌سوار» آورده است و از زبان حضرت در معرفی خودش، صفات «حیدر و شیر خدا» گفته است. «منم میر سیاف شمشیر زن» (همان: ص ۹۲)، «منم حیدر و شیر پروردگار»، و «فرّ شاهی نیز دارد «همه فرّ و فرهنگ و فرزانی»، (همان: ص ۱۲۳)، در مقابل دشمنان و ضدقهرمانها «دیوزاده»، «بدنژاد» و «بداندیش» هستند. «سپاه بداندیش را کرد پست» (همان: ص ۱۶۲)، «بداندیش را روز وارون کنید» (همان: ص ۱۶۳).

در خاوران‌نامه، قهرمان اصلی شخصیت امام علی (ع) است. ایشان بر پایه بنیاد اسطوره، قدرت اهورایی دارد و نقش پهلوانی حماسه‌های ملی را یافته است. درواقع «علی (ع) بعنوان ابرمرد و انسان کامل، جای رستم را گرفت. دلدل جای رخسار و تقابل خیر و شر در حماسه‌های ملی، جای خود را به مقابله مسلم و مشرک داد» (شهبازی، ۱۳۹۳: ص ۱۹۴).

قهرمان حماسه مذهبی یک وجه مهم دارد که او را از پهلوانان حماسه‌های ملی متمایز میکند: «وجه مذهبی». در این وجه، شاعر باید کردار و صفات قهرمان را طوری تنظیم کند که با انگاره‌ها و نگره‌های مذهب شیعه سازگاری داشته باشد. برخی از سراینندگان حماسه‌های مذهبی با نسبت‌دادن صفاتی به قهرمانان شخصیت مذهبی آنها را به نمایش گذاشته‌اند. صفاتی مانند: مسلمان، روشن‌درون، یل دین‌پرست، با داد و دین، مهتر شیعیان، پارسا، پاک‌دین، پاک‌کیش، فخر شیعه، شیعه بوتراب، نیکوشعار، شه نیکوان و... .

نمود کنشهای سه‌گانه منتظر ژرژ دومزیل در ساختار روایی منظومه دینی خاوران‌نامه بصورت متفاوتی نسبت به منظومه شهنشاه‌نامه قابل مشاهده است. این منظومه نیز مانند شهنشاه‌نامه با کنش «خواب دیدن» آغاز میشود؛

اما کارکردهای خواب و مواردی مانند فر ایزدی، روئین تنی و... در این منظومه جلوه متفاوتی دارند. با توجه به اندیشه حاکم بر این اثر، حضرت علی (ع) بعنوان قهرمانی بلامنازع دارای ویژگیهایی ماورائی است و کنشها، دلاوریها و جنگاوریهای ایشان رنگ‌وبوی الهی و معجزه‌گونه توأم با تخیل دارد. با توجه به شیوه بازآفرینی شخصیت این پیشوای دینی، در این منظومه بیش از هر چیز کنش جنگاوری/ سلحشوری نمود یافته است. در ساختار روایی این اثر مهمترین بنمایه‌ها بر مبانی نظریه کنشهای سه‌گانه شامل این موارد است: جنگاوری، وجود حیوانات و جانوران غیرمعمولی، اژدهاکشی، فوق طبیعی بود قهرمان حماسه، وجود نیروهای متافیزیکی و غیبی، دینی بودن قهرمان، مواجهه قهرمان با ضدقهرمان، استفاده از انواع و اقسام سلاحها، کتمان نام، استفاده از فریب، وجود دیوان، غولان، جادوان و جادویی، پیشگویی و آینده‌بینی، خواب دیدن، تعبیر خواب، الهام در خواب، ارائه راهکار در خواب، سادگی، اقتدار و عظمت قهرمانان، رجزخوانی قهرمان و ضدقهرمان، رفتن قهرمان به سفرهای مخاطره‌آمیز، سحر، طلسم و جادو.

در خاوران‌نامه شاهد ضدقهرمانهایی هستیم که در قالبهای مختلفی حضور دارند. از جمله آنها «انسانهای غیرطبیعی» هستند. انسانهای غیرعادی در حماسه ملی و دینی وجود دارند و در حماسه تاریخی کنار گذاشته شده‌اند. (نک: جلالی و مظفری، ۱۴۰۰: ص ۶۴-۶۵). این ضدقهرمانها در حماسه دینی خاوران‌نامه که حماسه‌ای تخیلی است در «سپاه پیل‌گوشان» و «انسانهای آدم‌خوار» دیده میشوند. برخی از این ضدقهرمانها هم «حیوانات» هستند که با قهرمان می‌جنگند. چنانکه امام علی (ع) با «شیر»، «پیل»، «اژدها» و «گرگ» مبارزه میکند و هفت‌خانی مانند هفت‌خان رستم دارد. در کوه بلور، با سپاه دیوان و اژدها و جادو می‌جنگد. همراه با قهرمان یاریگر به حصارهایی میرسند که طلسم و جادو و موجودات اهریمنی به مقابله ایشان می‌آیند. مالک در رفتن به حصار برنج در راه با ظلماتی چون دیو سیاه، اژدها، شیر و پیل مواجه میشود و مبارزه میکند و سرانجام با جادو، اسیر دست زال میشود. امام علی (ع) برای نجات مالک از طلسم جادو به دنبال او میرود و با افسون زال، چوبی تبدیل به اژدها میشود و حضرت با ذوالفقار آن را میکشد. (نک: خوسفی، ۱۳۸۲: ص ۱۹۰-۲۵۰-۲۵۵).

در خاوران‌نامه، موجودات خیالی نیز وجود دارند؛ مثل پیل‌گوشانی که علی(ع) و سپاهش در یکی از پنج راه، با آنها برخورد میکند و شکستشان میدهند؛ دیوی که حضرت سلیمان او را زندانی کرده است و بر حصن آهن‌ربای فرمانروایی میکند؛ آدم‌خورانی که در قلعه‌ای حضور دارند و مالک پس از نجات یافتن از دریا، به آنها پناه میبرد. اژدها و لشکر دیوان بر فراز کوه بلور که علی(ع) با آنها نبرد میکند و بر آنها پیروز میشود؛ ابوالمحقن و لشکریانش در راه خاوران به دشتی وارد میشوند که مورچگانی شاخدار باندازه یک سگ در آن دشت هستند؛ در جنگ مسلمانان با جادوان خاوران، تخیل برجسته‌نمایی میکند؛ همچنین کوه بلور، کوهی است درخشان که علی (ع) چهره خود را در آن مینگرد (ابن‌حسام خوسفی، ۱۳۸۲: ص ۱۸۹).

گاهی در خاوران‌نامه، پیشگویی‌هایی دیده میشود؛ مثلاً در جنگ میان سپاه اسلام و جادوان لشکر خاوران، ستاره‌شناسی از این سرزمین، پیروزی علی(ع) را پیش‌بینی میکند؛ وقتی علی (ع) به شهر زر وارد میشود، لوحی را مییابد که دال خطاب به او نوشته و پیروزی را نوید داده است؛ وزیر دانشمند صلصال، کوشیار، او را از رویارویی با حضرت علی باز میدارد؛ زیرا در دیوان دال خوانده است که شخصی به نام علی، خاوران و قام را در سیطره خود درمی‌آورد.

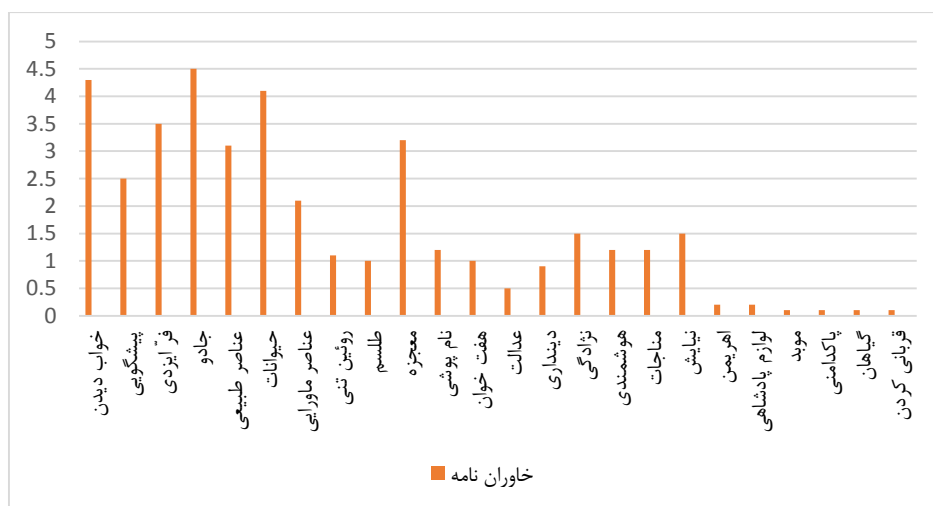
در منظومه خاوران‌نامه، ابن‌حسام در میان صحنه‌های حماسی، به اقتضای حال و مقام به کلمات، روح میبخشد؛ بطوری که هر کلمه گویای مفهومی برجسته با حماسه است. زبان و طرز ادای شاعر در میان جلوه‌های آفرینش

زبانی، توصیف پهلوانان و قهرمانان، برجسته‌شود و موسیقی کلام و طرز ادای شاعر، هم‌نوا با چکاچک نیزه‌ها، تیغ و شمشیر صورتی دیگر می‌یابد؛ بگونه‌ای که همهٔ برخوردهای حماسی و لحظه‌های پرتبوتاب و تپش مرگ وزندگی را تداعی می‌کند. توانایی شاعری ابن حسام سبب شده است که وی بتواند از خاصیت حروف، اصوات و چگونگی القای حالت‌های مختلف به کمک نیروی کلمه و کلام بهره‌مند شود و لحنش در لباس کلمه و کلام با رعذوبرق و صاعقه جلوه‌ای شایسته پیدا کند و در هنگام بزم، ملایم و نرم شود. اینگونه موارد در شعر ابن حسام زیاد است، آنجا که می‌گوید:

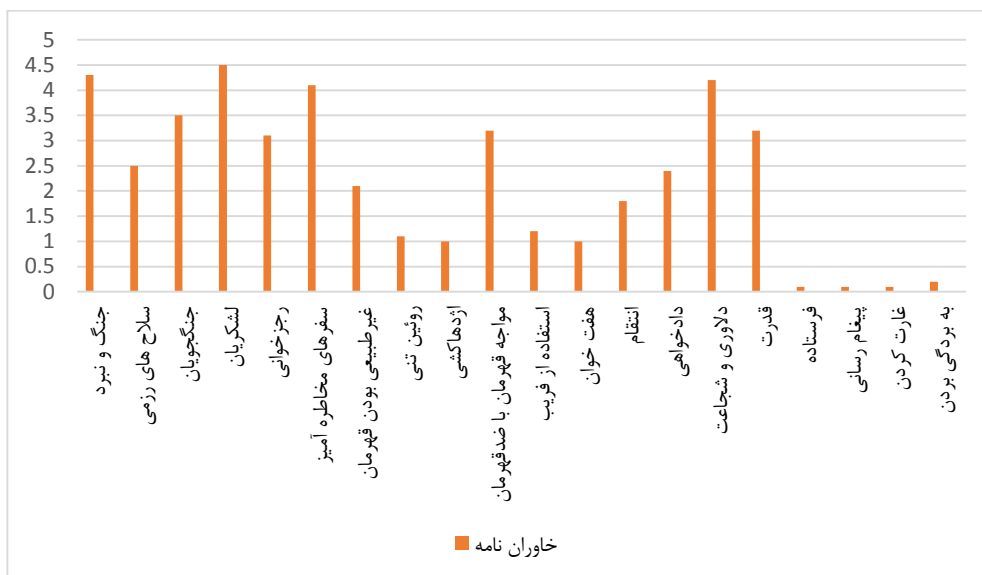
در آن تیره‌شب ماند حیدر شگفت به چنگال دست چپ از سوی راست
 چو آن نعره برداشت مرد دلیر هم اندر زمان نام یزدان بگفت
 بیازید و بگرفت پهلوی راست بپرداخت آن بیشه از ببر و شیر
 (ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۱۶۳)

در حماسهٔ خاوران‌نامه، فریاد بلند حضرت علی (ع) که بر پیکر کافران غارتگر در میدان جنگ لرزه می‌افکند، تداعی فریاد خفه‌شده در گلوئی مردمی است که ارزشهای دینی و ملی خود را پایمال دشمنان خون‌خوار و متجاوز می‌بینند؛ در همهٔ توصیف‌ها، زبان نیرومند و توانای ابن حسام، روان و دل‌انگیز می‌شود. شاه شهر زر، بوسیلهٔ اسطربلاب از گشوده شدن طلسمات توسط علی (ع) آگاه شده بود و آن را در لوحی برای آیندگان نوشته بود.

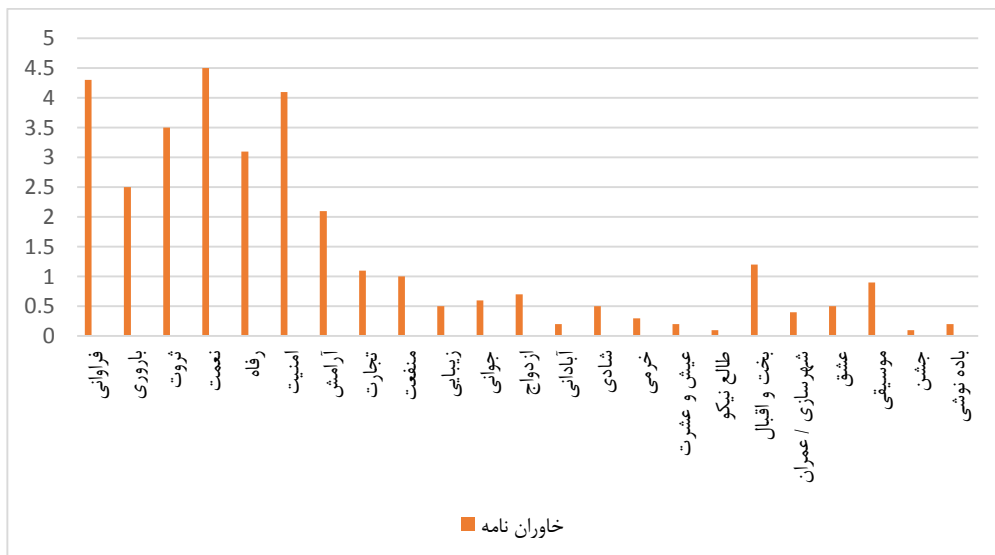
بسامد انواع مؤلفه‌های کنش شهریاری / فرمانروایی در ساختار روایی حماسهٔ دینی «خاوران‌نامه»



بسامد انواع مؤلفه‌های کنش جنگاوری / سلحشوری در ساختار روایی حماسه دینی «خاوران‌نامه»



بسامد انواع مؤلفه‌های کنش باروری / فراوانی در ساختار روایی حماسه دینی «خاوران‌نامه»



نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد در هر یک از انواع منظومه‌های حماسی «تاریخی-پهلوانی، مذهبی» یکی از کنش‌های سه‌گانه مدتظر ژرژ دومزیل نمود بیشتری دارد. عامل اصلی در این زمینه «جهانبینی حاکم بر اثر»، «محتوا» و «درونی‌نمایه» این منظومه‌ها است. در هر دو منظومه «خواب دیدن و پیشگویی» عامل اصلی شکلگیری جریان روایت است؛ اما «خواب» در هر یک از منظومه‌ها کارکرد متفاوتی دارد. در منظومه دینی «خاوران‌نامه» که به شرح دل‌آوری‌های پیشوای شیعیان می‌پردازد، کنش جنگاوری/ سلحشوری نمود بیشتری دارد. با توجه به محتوای این اثر، عناصری مانند فره ایزدی و روئین‌تنی به شیوه متفاوتی بازنمایی شده‌اند؛ به این معنا که خوسفی به این مؤلفه‌ها جنبه مقدس و الهی بخشیده و معجزه و قدرت ماورایی قهرمان اثر بر سایر وجوه حماسی این منظومه غلبه دارد. قهرمان مذهبی این منظومه نیز بمثابة پادشاهان ایرانی نمادی از دینداری، دادورزی، بخشش و تدبیر است. در این منظومه کنش فرمانروایی/ شهریاری و کنش فراوانی/ باروری نمود بسیار محدودی دارد. در شهنشاه‌نامه صبا نیز با توجه به محتوای اثر، کنش‌های فرمانروایی/ شهریاری و جنگاوری و سلحشوری غلبه بیشتری دارد. عباس میرزا بعنوان قهرمان روایت، به نبرد با بیگانگان/ غیرایرانیان می‌پردازد و نمادی از اقتدار و عظمت ایرانیان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حماسه شهنشاه‌نامه با توجه به مبانی مدتظر ژرژ دومزیل، دارای وجوه تفاوت بسیار با منظومه خاوران‌نامه است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در سطح کنش پادشاهی/ فرمانروایی، بنمایه‌هایی از قبیل «معجزه، نیایش، مددسانی، خواب دیدن، پیشگویی، ندا، فره ایزدی، نژادگی، هوشمندی، طالع‌بینی، موجودات افسانه‌ای (دیو، پری، سیمرغ) و... قابل بررسی هستند و در سطح کنش جنگاوری/ سلحشوری نیز بنمایه‌هایی مانند شجاعت، قدرت، نبرد، انواع سلاحها، انواع روشهای دفاع، گسترش قلمرو، فتوحات و عواملی از این قبیل، از جمله مواردی هستند که در چهارچوب نظریه کنش‌های سه‌گانه طبقه‌بندی میشوند. مواردی مانند نعمت و فراوانی، زیبایی، دل‌بستگی، شهوت، ازدواج، بخت و اقبال، تجارت، عمران و آبادانی، باروری و... نیز از جمله درونمایه‌هایی هستند که در زیرمجموعه کنش باروری/ پیشه‌وری جای می‌گیرند. شناخت این درونمایه‌ها، طبقه‌بندی آنها، بیان وجوه اشتراک و افتراق در شیوه کاربرد آنها در انواع متون حماسی (تاریخی، دینی و پهلوانی) در چهارچوب نظریه کنش‌های سه‌گانه از شاخصترین اهداف این پژوهش هستند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل دستاورد رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهر ری است. خانم دکتر فرشته ناصری راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. خانم معصومه کریمیان کلهرودی نیز بعنوان پژوهشگر این رساله، در گردآوری داده‌ها و تنظیم نهایی متن نقش داشته است. سرکار خانم دکتر مریم پیکان‌پور نیز نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر و قدردانی خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهر ری و همچنین داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام کنند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این پژوهش در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمام نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این پژوهش طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Aydanlu, Sajjad (2009) from myth to epic, Tehran: Sokhan Publications, second edition.
- Ibn-Hassam, Mohammad Bin-Hassam-al-Din (2003), Tazian-Namah Parsi (Summary of Khavaran-Namah), edited by Hamidullah Moradi, Tehran: Academic Publishing Center.
- Ismailpour, Abulqasem (2015), The Myth of Symbolic Expression, Tehran: Soroush Publications, 5th Ch.
- Bahar, Mohammad Taqi (2013), stylistics or the history of the development of Persian prose, Tehran: Zovvar.
- Bahar, Mehrdad (2016) Research in Iranian Mythology, Tehran: Age Publishing House, 12th century.
- Jalali, Glavizh and Mozaffari, Alireza (2021), investigation of anti-hero developments in national, religious and historical epics and with the analysis of six epic systems, Research Journal of Epic Literature, 17th year, vol. 2, consecutive 32: pp. 59-78.
- Dumzil, Georges Godorf (2012), World of Mythology, translated by Jalal Sattari, Tehran: Center. What is the third
- Zulfiqari, Hassan (2007), Iranian and religious identity in Persian proverbs, National Studies, Q8, Vol. 2: pp.237-53.
- Razmjo, Hossein (1991), Literary types and their works in Persian language, Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.
- Razmjo, Hossein (2002), The Realm of Iranian Epic Literature, Vol. ۱, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Zarei, Ali-Asghar (2018) "Examination of the three parts of Garshasb and its comparison with Georges Dumzil's theory of triple action", Iranian Studies, vol. ۶: pp.49-70.
- Zahedi, Freindekht et al. (2017), Zahhak and Loki: A comparison of two Iranian and Scandinavian myths based on the plays of Zahhak and Eyulf the Little within the framework of the functionalist theory of Georges Dumzil, Mystical and Mythological Literature Quarterly, Year 14, No. 52: pp.249-276.

- Sepehr, Mohammad Taqi (2010), *Naskh-al-Tawarikh*, edited by Jamshid Kianfar, Tehran: Asatir.
- Shahbazi, Asghar (2013), religious epics in Persian literature, *Heritage Mirror*, vol. ۵۵: pp.183-209.
- Sabai-Kashani, Fath Ali-Khan (1230 A.H.), *Shahnameh* manuscript, Tehran: Majlis Library, copy number 587.
- Safa, Zabih A... (2010), epic writing in Iran, Tehran: Amirkabir Publications, 9th Ch.
- Taheri Khosrowshahi, Mohammad (2009), *The Dark Seasons of Russian Wars with Iran in Persian Poetry*, Tehran: Iranian Civilization.
- Karimi, Siddiq and Amini, Mohammad Reza (2022), Manifestations of Popular Culture in *Khavaran-Namah* of Ibn-Hassam Khosfi, *Scientific Quarterly of Tafsir and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dekhoda)*, D 14, Vol. 53: pp. 141-168.
- Kezazi, Mirjalaluddin (2008), *Dream, Epic and Myth*, Tehran: Center Publishing.
- Ma'ark-Nejad, Rasul (2013), *Mythology and Art*, Tehran, Mirdashti Publications, second edition.
- Naseh, Mohammad Mahdi (1999), *Khavaran Nameh (Ibn Hosam's life-giving medicine)*, Khorasan Science Center, 2, pp. 129-146.
- Manzavi, Ahmad (1969), list of Persian manuscripts, Tehran.
- Natal-Khanleri, Parviz (1947), Persian prose in the recent period, in the Congress of Iranian Writers, Tehran: Negin.
- Namurtalaq, Bahman (2017), *An Introduction to Mythology*, Tehran, Sokhon Publications, 2nd Ch.
- Namurtalaq, Bahman and Awadpour, Behrouz (2015), *Mythology and Mythology by Georges Dumzil*, Tehran, Mogham Publishing House, Vol.
- Weiss, Li-Li (2012), *Application of dream analysis in psychotherapy*, translated by Ali Sahibi and Mansour Hakim Javadi, Mashhad: Ferdowsi University.

فهرست منابع فارسی

- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸) *از اسطوره تا حماسه*، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم.
- ابن حسام، محمد بن حسام‌الدین (۱۳۸۲)، *تازیان‌نامه یارسی (خلاصه خاوران‌نامه)*، ویراستار حمیدالله مرادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، *اسطوره بیان نمادین*، تهران: انتشارات سروش، چ پنجم.
- بهار، محمدتقی (۱۳۹۳)، *سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی*، تهران: زوار.
- بهار، مهرداد (۱۳۹۶) *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: نشر آگه، چ دوازدهم.

جلالى، گلاويژ و مظفرى، عليرضا (۱۴۰۰)، بررسى تحولات ضدقهرمان در حماسه‌هاى ملي، دينى و تاريخى و با تحليل شش منظومه حماسى، *پژوهشنامه ادب حماسى*، سال هفدهم، ش دوم، پيايى ۳۲: صص ۵۹ - ۷۸.

دومزيل، ژرژو گودورف (۱۳۹۱)، *جهان اسطوره‌شناسى*، ترجمه جلال ستارى، تهران: مركز. چ سوم. ذوالفقارى، حسن (۱۳۸۶)، هويت ايرانى و دينى در ضرب‌المثل‌هاى فارسى، *مطالعات ملي*، س ۸، ش ۲: صص ۲۷ - ۵۳.

رزمجو، حسين (۱۳۷۰)، *انواع ادبى و آثار آن در زبان فارسى*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوى. رزمجو، حسين (۱۳۸۱)، *قلمرو ادبيات حماسى ايران*، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانى و مطالعات فرهنگى. زارعى، على اصغر (۱۳۹۸) «بررسى سه بزه گرشاسب و تطبيق آن با نظريه كنش سه‌گانه ژرژ دومزيل»، *مطالعات ايرانى*، ش ۶: صص ۴۹ - ۷۰.

زاهدى، فريندخت و همكاران (۱۳۹۷)، ضحاک و لوکى: مقايسه دو اسطوره ايرانى و اسکانديناوى بر مبنای نمايشنامه‌هاى ضحاک و ايولف كوچک در چهارچوب نظريه كنشگرايانه ژرژ دومزيل، *فصلنامه ادبيات عرفانى و اسطوره‌شناختى*، سال ۱۴، ش ۵۲: صص ۲۴۹ - ۲۷۶.

سپهر، محمدتقى (۱۳۹۰)، *ناسخ‌التواریخ*، به‌اهتمام جمشيد كيانفر، تهران: اساطير. شهبازى، اصغر (۱۳۹۳)، حماسه‌سرايى دينى در ادب فارسى، *آئينه ميراث*، ش ۵۵: صص ۱۸۳ - ۲۰۹. صباى كاشانى، فتحعلى خان (۱۲۳۰ ق)، *دست‌نويس شهنشاه‌نامه*، تهران: كتابخانه مجلس، نسخه شماره ۵۸۷. صفا، ذبيح‌ا... (۱۳۸۹)، *حماسه‌سرايى در ايران*، تهران: انتشارات اميركبير، چ نهم. طاهرى خسروشاهى، محمد (۱۳۸۸)، *فصل‌هاى تاريخى جنگ‌هاى روس با ايران در شعر فارسى*، تهران: تمدن ايرانى.

كريمى، صديقه و امينى، محمدرضا (۱۴۰۱)، نمودهاى فرهنگ عامه در خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفى، *فصلنامه علمى تفسير و تحليل متون زبان و ادبيات فارسى (دهخدا)*، د ۱۴، ش ۵۳: صص ۱۴۱ - ۱۶۸.

كزازى، ميرجلال‌الدين (۱۳۸۸)، *رؤيا، حماسه و اسطوره*، تهران: نشر مركز.

معرک‌نژاد، رسول (۱۳۹۳)، *اسطوره و هنر*، تهران، انتشارات ميردشتى، چ دوم.

ناصح، محمدمهدى (۱۳۷۸)، خاوران‌نامه (نوش‌داروى جانبخش ابن‌حسام)، *مركز خراسان‌شناسى*، ۲، صص ۱۲۹ - ۱۴۶.

منزوى، احمد (۱۳۴۸)، *فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى*، تهران.

ناتل خانلرى، پرويز (۱۳۲۶)، *نثر فارسى در دوره اخير*، در كنگره نويسندگان ايران، تهران: ننگين.

نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۷)، *درآمدى بر اسطوره‌شناسى*، تهران، انتشارات سخن، چ دوم.

نامورمطلق، بهمن و عوض پور، بهروز (۱۳۹۵)، *اسطوره و اسطوره‌شناسى نزد ژرژ دومزيل*، تهران، نشر موعام، چ اول.

واپس، لی‌لی (۱۳۸۲)، کاربرد تحلیل رؤیا در روان‌درمانی، ترجمه علی‌صاحبی و منصور حکیم‌جوادی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

معرفی نویسندگان

معصومه کریمیان کلهرودی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، ایران.

(Email: m.karimiyankalahrodi@gmail.com)

فرشته ناصری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: Naseri1033@iausr.ac.ir)

مریم پیکانپور: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، ایران.

(Email: Malakoot74@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Masoumeh Karimian Kalahrodi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Khomeini (RA), Islamic Azad University, Shahreray, Iran.

(Email: m.karimiyankalahrodi@gmail.com)

Fereshte Naseri: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Khomeini (RA), Islamic Azad University, Shahreray, Iran.

(Email: Naseri1033@iausr.ac.ir: Responsible author)

Maryam Pikanpour: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Khomeini (RA), Islamic Azad University, Shahreray, Iran.

(Email: Malakoot74@yahoo.com)